

به این سخن نیز توجه کنید:

«... مشکل مزد گرفتن برای افتا و قضا غیر از مساله اخذ اجرت در واجبات است. یک "کار خدایی" را انجام دادن است مثل خود پیغمبری کردن است که پیغمبر بخواهد مزد بگیرد. مساله این نیست که پیغمبر بگوید: من از مزد خودم گذشته ام بلکه مساله بالاتر از این حرف هاست که بخواهد در حد خرید و فروش قرار بگیرد که من در مقابل این افتایی که میکنم یک قران می گیرم تا فتوای خودم را ذکر کنم. در قضا هم همین طور است. یعنی عظمت کار، شرافت کار، الهی بودن کار، نیابت از خود رسول و پیغمبر کردن کاری است که اجازه نمیدهد قاضی در مقابلش پول بگیرد؛ لذا باید از بیت المال تامین شود، نه این که قصد قربت متمشی می شود یا نمی شود یا واجب هست یا نیست، در مقابل بعضی از اعیان یا فعل ها که قابل معامله نیست، به خاطر این که دون حد معامله است»<sup>۱</sup>.

۴. در اقتضای ادله بر فرض دلالت بر حرمت اخذ اجرت باید دید آیا دلالتش هر دو فرض اخذ اجرت از بهره مند و از بیت المال را شامل می شود یا فقط شامل فرض اول می شود نه دوم؟

۵. واضح است که - مثل سایر موارد - بنابر فرض فتوا به حرمت یا جواز اخذ اجرت نباید عروض عناوین ثانوی را در فتوا و اجرای آن<sup>۲</sup> نادیده گرفت. این عروض بر فرض جواز بیشتر رخ می نماید؛ مثلا هر گاه مقام افتا و مرجعیت علمی با زعامت و مرجعیت سیاسی و اجتماعی به هم بیامیزد، نمی توان به جواز اخذ اجرت فتوا داد این وضعیت ممکن است حتی در قالب عنوان اولی تفسیر شود. چنان که در صورت استنکار عمومی اخذ اجرت، به گونه ای که مصداق ایجاد انزجار از شخص، صنف یا مذهب شود، جواز اخذ اجرت در ضیق و شداد قرار می گیرد.

و این که گفته شود: نهایت این وجه حرمت اخذ است نه بطلان وضعی آن! بنابر استلزام حرمت و بطلان (که مبنای قابل دفاعی است) قابل پذیرش نیست. فتامل.

۶. اخذ اجرت در مساله مورد بحث - حداقل - در برخی ساحت‌های آن اجتماعی و حکومتی است، از این رو نباید - علی الاطلاق - با نگاه فردی و موردی به آن نگاه کرد. مثلا در تجهیز اموات، ممکن است شهرداری یا نهادی مشابه عهده دار کار شود، افرادی را استخدام نماید و در مقابل از اولیای میت وجهی را دریافت کند یا نکند. طبیعتا در این جا نمی توان خارج از این ردیف، وجهی به عنوان اجرت و جعل دریافت کرد. این وضعیت در امر آموزش، بهداشت و امثال آن نیز جاری است.

۱. از نوارهای شهید مرتضی مطهری، چاپ شده با عنوان مقدمه ای بر حکومت اسلامی، ص ۸۹ و ۹۰.

۲. به جدا کردن عروض عناوین ثانوی در فتوا - که کلی است - از عروض عناوین ثانوی در اجرا - که موردی است - توجه شود. توضیح بیشتر را در مجال مناسب باید طلب کرد.

می توان گفت: مساله اخذ اجرت در این موارد، یک مساله شرعی است لکن شیوه های اجرایی آن می تواند متفاوت و گاه متعدد و متغیر باشد. اقتضای عقل و رفتارهای عقلا در این باره تعیین کننده حکم مورد ها است. دقت شود.

نتیجه تحقیق سالف این شد که به حسب قواعد و ادله عام یا خاص دلیلی بر منع اخذ اجرت در واجبات ، تعلیم و غیره نداریم مگر عناوین ثانوی عارض گردد که حرمت تکلیفی یا وضعی را با خود داشته باشد. بخشی از مساله را باید از شیوه های اجرایی دید که با اخذ اجرت منافات ندارد.

### روایات اذان

در ادامه رصد نصوص دینی، در خصوص اذان روایاتی وجود دارد که رصد آن ها، رفتار شناسی فقیهان در پیوند با آن ها و بیان اقتضای تحقیق، لازم است. روایات به قرار ذیل است:

۱. محمد بن الحسن باسناده عن احمد بن محمد عن البرقی عن النوفلی، عن السکونی، عن جعفر، عن ابیه عن علی (علیه السلام) قال: «آخر ما فارقت علیه حبیب قلبی أن قال: یا علی، إذا صلیت فصلّ صلاة أضعف من خلفک، و لا تتخذنّ مؤذنا يأخذ علی أذانه أجرا».

محمد بن علی بن الحسین مرسلًا، مثله.

۲. قال : و أتى رجل امیر المؤمنین - علیه السلام - فقال: یا امیر المؤمنین و الله إنی لأحبک فقال له: «ولکنی أبغضک»، قال: و لِمَ؟ قال: «لانک تبغی فی الاذان کسبا و تأخذ علی تعلیم القرآن اجرا».<sup>۳</sup>

۳. الجعفریات ... عن علی بن ابیطالب - علیهم السلام - قال: «من السحت ثمن المیتة - الی ان قال - : و اجر المؤذن الا مؤذن یجرى علیه من بیت المال».

۴. دعائم الاسلام عن علی - علیه السلام - انه قال : من السحت اجر المؤذن. یعنی اذا استاجرہ القوم يؤذن لهم. و قال: لا باس بان یجرى علیه من بیت المال.

۳. وسائل الشیعة، ج ۵، ابواب الاذان و الاقامة، باب ۳۸، ص ۴۴۷، ح ۲۰۱.